

مناسبات آزادی و ارزش‌های الهی

محمد هادی باقری^۱

چکیده

یکی از مباحث مهم در این مقاله مناسبات آزادی و ارزش‌های الهی با اقسام مختلفش از آزادی فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، با تمام ارزش‌های الهی در مقابل آزادی لجام گسیخته غربی مورد تحلیل و مذاقه قرار می‌گیرد.

هدف کلی از مقاله این است: که آزادی مطلق در هیچ دین و قانونی وجود ندارد، آزادی را در حکم فطرت سالم، عقل، قانون، مقید کرده است، حتی کسانی که دین را قبول ندارد، آزادی را محدود کرده، که آزادی من با تلف حق دیگری معارض نباشد، اگر معارض با حق دیگری باشد آزادی ندارم، در مجموع آزادی با آیات، روایات الزام‌آور، قواعد فقهی، حقوقی فطرت، عقل، کلام امام خمینی (ره) و ارزش‌های اسلامی محدود شده است. این محدودیت در ظاهر نظام زندگانی بشریت است، ولی در واقع تعالی بخش روح انسان است.

روش بررسی این مقاله، به صورت توصیفی تحلیلی انجام گرفته است.

پرسش اصلی: این است که مناسبات آزادی در اسلام چه گونه تبیین شده است؟ در نهایت در تفسیر آزادی به این نتیجه می‌رسیم که انسان نه مجبور است، تا اسناد و نسبت کارهایش به او مجازی باشد و نه مفوض است تا اسناد کار به او به نحو استقلال باشد، هم جبر باطل است و هم تفویض و آنچه حق است، امر بین الا مرین است، که همان آزادی نسبی است.

کلید واژه‌ها: آزادی، فردی، اجتماعی، معنوی، اسلامی، ارزش، محدوده.

^۱ نویسنده: محمد هادی باقری، فارغ تحصیل سطح چهار جامعه المصطفی (ص) العالیه، مجتمع آموزش عالی فقه،
کد: (۱۱۵۴۹۱) و اتمام دوره تخصصی خارج فقه و اصول، در مؤسسه دارالثقلین امام عصر (عج)،

Mohammad.hady.baghery@gmail.com.

مقدمه

قرآن به عنوان یک متن بین المللی اسلام بیانگر این مطلب است که برای آزادی انسانی از نظر فکری، خرافات، اوهام، بت پرستی، نژاد پرستی، قبیله گرایی، قیام بر علیه ظلم و استبداد مثل حکومت فرعون نمرود تلاش بی نظیر از خود به نمایش گذاشته است، در متن روایات هم که دومین متن اساسی اسلام است از آزادی، مبارزه علیه بردگی و حکومت های ظلم و استبداد سخنان نجات بخش و سعادت آفرین به میان آمده است.

آزادی یک مسئله ی است که همه از او سخن گفته مورد تمجید قرار گرفته، در واقع بحث از آزادی ریشه در طبیعت بشر دارد، و برگشت این اراده آزادی به شعور انسان است؛ یعنی انسان در درون خودش موجود آزاد از تعصب، تحجر، خودخواهی، شهوت رانی و وسوسه های نفس اماره است، هنگام بحث از آزادی، ذهن انسان ها، پیش از هر چیز، متوجه آزادی جنسی و بی بند بار غربی می شود، در حال که در این مقاله تلاش شده، آزادی با اقسام مختلفش به قیود دینی، اخلاقی، آیات، روایات وقواعد فقهی مقید به ارزش های سعادت آفرین اسلامی بیان شود. تا آزادی لجام گسیخته ی غربی را تعدیل و اصلاح نماییم، جامعه اسلامی همراه آزادی سعادت آفرین با ارزش های الهی به سوی تحقق مدینه فاضیله فراخوانده شود.

کاربرد کلمه آزادی در معنای مدرن به سه قرن در محور قرن رنسانس و قرن قبل و بعد رنسانس و عصر روشنگری در اروپا برمی گردد، هم چنین انقلاب کبیر فرانسه برای شکست ظلم و استبداد، به نام آزادی از نردبان علم و دانش بالا رفت؛ ولی باگذشت زمان این واژه قداست خویش را از دست داد، آزادی با بی بند باری اباحت گرایی لجام گسیختگی یکسان شده است.

آزادی در متن قران شریف آیات و روایات در متون اولیه از آزادی به عنوان جبر و اختیار آمده است از دوره رنسانس به بعد کتاب های زیادی به نام آزادی نوشته شده است .

ولی از کتاب های معاصر، در صورت ضمنی مکارم در کتاب تفسیر نمونه، طباطبایی در کتاب تفسیر المیزان، قرائتی در کتاب تفسیر نور، حسینی در کتاب تفسیر انوار درخشان، ولی به صورت خاص سبحانی در کتاب آزادی و دین سالاری، آزادی از دیدگاه امام خمینی (ره)، مطهری آزادی معنوی، شیرازی اسلام و آزادی بردگان، اراکی آزادی و علیت در

فلسفه اسلامی معاصر و فلسفه مغرب زمین، المدرسی آزادی و مسؤولیت زن، فهمیم نیا دین و آزادی، تسبیحی آزادی از دیدگاه امام حسین (ع). مورد بحث و مذاقه علمی قرارداد است. **ضرورت بحث آزادی** از این جهت مهم است مفهوم مقدس آزادی اسلامی با آزادی لجام گسیخته غربی در نزد بسیاری اشتباه شده، در این مقاله آزادی اسلامی با حفظ حدود و ارزش های الهی بیان شده است.

امتیاز این مقاله

از امتیاز این مقاله این است، که به صورت خاص آزادی را با اقسام مختلفش و مناسبات آزادی و ارزش های الهی مورد کاوش و مذاقه قرار داده است.

آزادی در لغت

در زبان فارسی «آزادی» به حریت، عتق، اختیار، قدرت عمل و ترك عمل و قدرت انتخاب و خلاف بندگی و رقیت و عبودیت و اسارت و اجبار، معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۳ ش، ۱، ۷۷).

آزادی در اصطلاح

بردگی ضد آزادی، و آزادی نقطه‌ی مقابل آن بود، ولی بر اثر مرور زمان، واژه‌ی آزادی، مفهوم وسیع‌تری برای خود پیدا کرد تا آنجا که در مکاتب غربی امروز، مسئله‌ی آزاد عقیده، آزادی بیان، آزادی سرنوشت، و غیره مطرح شده، و مکتبی را پدید آورده است (سبحانی، ۱۳۸۴ ش: ۱، ۱۵).

۱. مناسبات آزادی

آزادی از فطریات انسان است و هر انسانی به دنبال آن است و دین تنها حدود و ثغور آن را برای ایجاد جامعه سالم و بدون تنش تعیین کرده است با تبیین اقسام آزادی که در این مقاله بیان می‌شود، در قلمروی ارزش های الهی مورد مذاقه و بررسی قرار می‌گیرد، آزادی عاری از ارزش های الهی همان آزادی لجام گسیخته غربی است که در واقع حیوانیت رها شده است ما به دنبال ارزش های الهی انسانیت رها شده هستیم.

البته بحث آزادی به شکل امروزی آن کلاهی است که به سر مردم رفته است. وقتی در فرانسه انقلاب شد فرد متفکری گفت: ای آزادی! چه جنایت‌هایی که به اسم تو نمی‌شود، و

مثال بارز آن جنایات آمریکایی‌ها در عراق برای تحقق آزادی و دموکراسی در این کشور است! (فهمین نیا، ۱۳۸۷ش: ۱۳۰).

۲. آزادی فردی و ارزش‌های الهی

منظور از آزادی شخصی این است که هرکسی حق دارد همان‌طوری که خدا او را آزاد آفریده و به او اراده و اختیار داده، سرنوشت زندگی خود را شخصاً تعیین کند. وقتی فرعون بر حضرت موسی منت گذاشت که تو در میان ما بزرگ‌شده‌ای و حال نمک‌شناسی می‌کنی، حضرت موسی (ع) در پاسخ او مسئله سلب آزادی را مطرح کرد: «وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَدْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (شعرا: ۲۲). این چه نعمتی است که به من داده‌ای، بآنکه فرزندان بنی‌اسرائیل را به بندگی خود درآورده و از آنان سلب آزادی نمودی؟ (فهمین نیا، ۱۳۸۷ش: ۳۱۴).

آزادی فردی و حقیقی در کلام معظم رهبری (مد ظله عالی) «من صفر هستم راحت باشید. پنج سال پیش با گروه ۲۲ نفری از فارغ التحصیلان طلاب خارجی به محضری مقام معظم رهبری رفتیم-یکی از ترکیه و دیگری از پاکستان-قرار بود سخن‌رانی کند بعد از طلبه ترکیه‌ای آن طلبه دیگر دچار اضطراب شد و دستایش به شدت می‌لرزید حضرت آقا فرمود: اگر به خاطر من است که من هیچ و صفر هستم شما راحت باشید وقت این سخن را شنیدم همگی به گریه افتادیم. بعد همه به نوبت دست آقا را بوسیدیم. در این میان طلبه آذربایجانی به ایشان گفت: روز قیامت ما را دعا کنید آیت الله خامنه‌ای فرمود: اگر من اهل بهشت باشم دعایتان می‌کنم اگر شما اهل بهشت باشید مرا دعا کنید» (قرارگاه فرهنگی ولی الامر ۱۳۹۰ش: ۶۷).

پیام‌ها: ۱- ۲. حضرت آقا خود را فانی جمال و جلال خداوند منان دیده است، از تمام تعلقات خود را آزاد و رها دانسته فرموده است: من صفر هستم عظمت از خداوند منان است. ۲-۲. معظم له فرموده است: من صفر هستم تا روحیه طرف حفظ شود، آبروی طرف محفوظ بماند، به این ظرافت به طرف آزادی و کرامت عطا نموده است.

۲-۳. آن چنان مقام معظم رهبری خود را از تمام تعلقات آزاد کرده فانی جمال خداوند منان شده است، که خود داوری نکرده است، داوری مال خداوند منان است اگر در آنجا من حق شفاعت داشتم من از شما شفاعت می کنم، اگر شما حق شفاعت داشتید شما از من شفاعت کنید.

۲-۴ سیره خوش رفتاری این سالک آزاداندیش برگرفته از سیره پیامبر رحمت است «عظیم الخلق، لَين الجانب.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ش: ۱، ۱۷۵)؛ خویی پسندیده و خوش برخورد و ملایم بود.

۳. آزادی عقیده و ارزش های الهی

۳-۱. در این آیه «لا اکراه فی الدین» عقیده یک امر قلبی است عقیده حاصل نمی شود، مگر اینکه تمام مبادی آن حاصل شود، قابل تعبد و پذیرش اجباری نیست؛ لذا انسان از نظر عقیده در آزادی کامل است.

«مردم عقیده شان آزاد است، کسی الزامشان نمی کند، که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید.» (خمینی، ۱۳۸۵ ش: ۹، ۸۸).

۳-۲. از ارزش آزادی عقیده این است که عقیده با برهان و منطق قابل فتح است نه بازور گویی اعمال قدرت «لا إكراه فی الدین»

۳-۳. راه حق از باطل جدا شده، تا حجت بر مردم تمام باشد. روشن شدن راه حق، با عقل، وحی و معجزات است. «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» اسلام دین رشد است (قرائتی، ۱۳۸۳ ش: ۱، ۴۱۳).

۳-۴. ایمان آوردن امری قلبی است بازور گویی نمی شود، فرعون سحره را جمع کرده بود که معجزه موسی را باطل کند، اما وقت حقیقت را دید با اینکه فرعون قدرت داشت، این سحره وقت واقعیت را دید که چطور به صورت واقعی عصا ازدها شده معجزه حضرت موسی را قبول کرد، آزادانه ایمان آورد.

« فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى » سر به سجده نهادند به آفریدگار جهان ایمان آورده زبان عذر گشودند و به رسالت موسی و هارون گواهی دادند، این منظره

اظهار انقیاد و دلباختگی ساحران نیز زیاده سبب مذلت و سقوط فرعون از انظار مردم آن سرزمین گشت (حسینی، ۱۴۰۴ق: ۱۰، ۴۸۴).

۳-۵. تمام ارزش‌های الهی در آزادی عقیده قابل تحقق است آزادی در مجموعه قوانین دینی که همان انسانیت رها شده است نه آزادی غربی که حیوانیت رها شده است.

۴. آزادی اجتماعی و ارزش‌های الهی

۴-۱. یکی از حماسه‌های قرآنی، همین موضوع آزادی اجتماعی است. من خیال نمی‌کنم که شما بتوانید جمله‌ای زنده‌تر و موج‌دارتر از جمله‌ای که در این مورد در قرآن هست پیدا کنید، شما در هیچ زمانی پیدا نخواهید کرد، نه در قرن هجدهم، نه در قرن نوزدهم و نه در قرن بیستم، در این قرن‌هایی که شعار فلاسفه بشر آزادی بوده است، و آزادی بیش‌از اندازه زبازد مردم بوده و شعار واقع شده است. شما جمله‌ای پیدا کنید زنده‌تر و موج‌دارتر از این جمله‌ای که قرآن دارد « قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ » (آل عمران: ۶۴)؛ ای پیغمبر! به این کسانی که مدعی پیروی از یک کتاب آسمانی گذشته هستند، به این یهودی‌ها، به این مسیحی‌ها، به این زرتشتی‌ها و حتی شاید به این صابئین‌ها که در قرآن اسم شان آمده است و به همه ملت‌هایی که پیرو یک کتاب قدیم آسمانی هستند این‌طور بگو: بیایید. همه ما جمع شویم دور یک کلمه؛ زیر یک پرچم. آن پرچم چیست؟ دو جمله بیشتر ندارد، یک جمله‌اش این است: « أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا » در مقام پرستش، جز خدای یگانه چیزی را پرستش نکنیم، نه مسیح را پرستیم، نه غیر مسیح را و نه اهرمن را پرستش کنیم، جز خدا هیچ موجودی را پرستش نکنیم.

جمله دوم: « وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ » اینکه هیچ‌کدام از مادیگری را بنده و برده خودش نداند. (مطهری، ۱۳۸۴ش: ۲۳، ۴۳۷).

۴-۲. «اسلام آزادی را حق همه مردم می‌شمارد و آن را موجب رشد و تکامل انسان‌ها می‌داند و حد آن را مرزهای الهی ذکر کرده است. بدیهی است که این بایدها و نبایدهای

الهی هرگز مغل آزادی نیست، بلکه ضامن و تأمین کننده آزادی است» (خمینی، ۱۳۸۵ش: ۱۱، ۱۳۱).

۳-۴. آزادی اجتماعی وقت در یک جامعه به وجود بیاید، این آزادی اجتماعی همانند یک قلب قوی در یک جامعه فعالیت می کند، اگر قلب یک شخص قوی باشد تمام اعضای بدن آن قوی است، حتی گلبول های قرمز بدن او قوی می شود، به مقابل انواع میکروب، به صورت قوی عمل می کند، در فضای آزادی اجتماعی فعالیت های مختلف و آزادی های مختلف در زیر مجموعه همین آزادی اجتماعی است، که در فضای آزادی اجتماعی قابل تحقق است.

۴-۴. آزادی اجتماعی برای امت اسلام و فرا ملی درکلام معظم رهبری (مدظله العالی) «اولین درسی که انقلاب اسلامی و نظام مبارک جمهوری اسلامی به ما داد، این بود که ما نگاه مان را از حصار و چهاردیواری ملت ایران منعطف کنیم به عرصه ی وسیع امت اسلامی. امام بزرگوار ما به ما تعلیم کرد، که نگاه ما باید به ساحت عظیم امت باشد. درست است که کشور ایران در دوران طاغوت در زیر فشار استبداد و استعمار به جان آمده بود و له می شد و باید نجات داده می شد، اما فشار اساسی و تهاجم اساسی، تهاجم تاریخی به امت اسلام بود. امت بزرگ اسلامی که در یکی از حساس ترین نقاط جغرافیائی عالم استقرار داشته است، بر اثر دخالت قدرت های بزرگ، طمع ورزی دولت های بزرگ و مقتدر، تجاوز و تعدی استکبار در طول چند قرن، دچار ضعف، انکسار، عقب ماندگی، استعمار زدگی، فقر - هم فقر مادی، هم فقر علمی - شده بود. انقلاب اسلامی نگاهش به دنیای اسلام بود، نگاهش به برداشتن دست ظالم و متجاوز استکبار از روی سر امت اسلامی و از زندگی امت اسلامی بود؛ لذا وقتی انقلاب در ایران پیروز شد، ملت های مسلمان در شرق و غرب عالم احساس کردند که در زندگی آن ها نسیم تازه ای وزید، هوا عوض شد، احساس کردند گشایشی در کاره شان پیدا شد؛ لذا در آفریقا، در آسیا، در همه ی مناطقی که مسلمان ها زندگی می کردند، مسلمانان احساس کردند که با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، راه تازه ای در مقابل آن ها گشوده شد. این را ما از امام آموختیم و این خط روشن نظام جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز بوده است» (دیدار طلاب غیر ایرانی قم ۱۷ ذی القعدة ۱۴۳۱).

۴-۵. تمام ارزش‌های الهی در آزادی اجتماعی در صورت قابل تحقق است که آزادی اجتماعی در مجموعه قوانین دینی تبیین شده باشد، که همان انسانیت رها شده است، نه آزادی غربی که حیوانیت رها شده است.

۵. آزادی معنوی و ارزش‌های الهی

۵-۱. یکی از اقسام آزادی همین آزادی معنوی است آزادی معنوی؛ یعنی اینکه انسان در درون خودش موجود آزاد شود، از تعصب و تحجر خودخواهی، شهوت‌رانی و سواس‌های نفس اماره رهایی یابد، این فرشته‌ای که خدای متعال در باطن انسان قرار داده، به عنوان روح الهی از چاه زندان تن خاکی که صدها گرفتاری دارد رهای یابد، این یوسف مصری از صد هاگرفتاری، خودخواهی، تعصب و تحجرهایی یابد آزادی معنوی است .
استاد مطهری می‌فرماید:

۵-۲. « انسان از نظر معنا، از نظر باطن و از نظر روح خودش ممکن است یک آدم آزاد باشد و ممکن هم هست یک آدم برده و بنده باشد؛ یعنی ممکن است انسان بنده حرص خودش باشد، اسیر شهوت خودش باشد، اسیر خشم خودش باشد، اسیر افزون‌طلبی خودش باشد و ممکن است از همه این‌ها آزاد باشد». (مطهری، ۱۳۸۴ ش: ۲۳، ۴۴۰).

۵-۳. « اسلام روشی را اتخاذ می‌کند که با طبیعت عموم مردم هماهنگی دارد؛ لذا در حدود ارزش‌های معنوی و ایده‌های اسلامی به توده‌ها آزادی می‌دهد و از طرفی، آزادی را در مجرای صحیح قرار داده است تا وسیله‌ای برای خدمت به خلق باشد» (صدر، ۱۳۴۸ ش: ۱، ۳۵۸).

۵-۴. آزادی معنوی این است که عاطفه و فطرت خداجویی آزادانه محقق شود، بدون زورگویی با حکمت و آزانه به سوی پروردگارت دعوت کند، «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ» (نحل: ۱۲۵).

۵-۵. موعظه را مقید به حسنه کرده، اینکه موعظه در کمال آزادی همراه با ارزش‌های الهی به دور از ظلم ستم باشد که موعظه حسنه به آن صدق نماید، که معنویت را تقویت کند، به قلب بنشد قلب طرف را فتح کند «وَالْمُوعِظَةُ الْحَسَنَةُ» (نحل: ۱۲۵).

۵-۶. «آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری شود و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف باحیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می باشند (خمینی، ۱۳۸۵ش: ۲۱، ۱۹۵).

۶. آزادی اخلاقی و ارزش های الهی

۱-۶. حسن خلق به صورت آزادانه به دور از ظلم ستم موجب پیشگيراز گناهان شخص، حسن معاشرت، آرامش رفتار اجتماعی در جامعه اسلامی می شود، حسن خلق خود عبادت از ارزش های مهم الهی است تاریخ یعقوبی عن الإمام الحسين: (ع) «الْخُلُقُ الْحَسَنُ عِبَادَةٌ» (ابی یعقوب، ۱۳۵۸ش: ۲، ۲۴۶)؛ امام حسین (ع) فرمود: خوش خویی، عبادت است.

۲-۶. عالی ترین تفسیر آزادی این است آنچه مهم در نظام زندگی باشد رضایت خداوند منان را در نظر داشته باشی، از تمام دغدغه های دیگر دآوری های خلق رها و آزاد باشی؛ لذا امام حسین (ع) فرموده است: خشنودی خدا را با ناخشنودی مردم بطلبد، خداوند او را از امور مردم بی نیاز کند و هر که خشنودی مردم را با ناخشنود کردن خدا بجوید، خداوند او را به مردم واگذارد الإمام الحسین (ع): «مَنْ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ، وَ مَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ، وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ» (ری شهری، ۱۳۸۴ش: ۴، ۴۸۸).

۳-۶. آزادی اخلاقی و ارزش مهم الهی این است، که در حین قدرت عفو داشته باشد با عفو خویش کینه دوزی و انتقام گیری از جامعه اسلامی را برطرف نماید. عن الإمام الحسین (ع): «إِنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عَنْ قُدْرَةٍ» (اربلی، ۱۴۰۳ق: ۲، ۲۴۲) امام حسین (ع) فرمود: «باگذشت ترین مردم کسی است که باوجود قدرت، گذشت کند.

۴-۶. در آزادی اخلاقی زمینه رشد و شکوفایی ارزش‌های الهی است که هرگونه سنجایی اخلاقی و تحقق مدینه فاضله در آن امکان‌پذیر است.

۵-۶. تعریف مادر شهید ارمنی از اخلاق مقام معظم رهبری، که از تمام تعلق‌ها آزاد برای احوال‌گیری مادر یک شهید غیر دینی وارمنی رفته است «مادر شهید گفت: آقا! حالا که منزل ما هستید، من می‌توانم جمله‌ای به شما عرض کنم؟ آقا گفت: بفرمایید، من آمدم این‌جا که حرف شما را بشنوم. گفت: ما با شما از نظر فرهنگ دینی فاصله داریم، در روضه‌هایتان شرکت می‌کنیم، ولی خیلی مواقع داخل نمی‌آییم. روز شهادت امام حسین (ع)، روز عاشورا و تاسوعا به دسته‌های سینه‌زنی امام حسین (ع) شربت می‌دهیم. می‌آییم توی دسته‌هایتان می‌نشینیم، ظرف یک بار مصرف می‌گیریم، که شما مشکل خوردن نداشته باشید؛ چون ما توی ظرف آن‌ها آب نمی‌خوریم. توی مجالس شما شرکت می‌کنیم و بعضی از حرف‌ها را می‌شنویم. من تا الآن نمی‌فهمیدم بعضی چیزها را می‌گفتند، در دین شما بانویی - که دختر پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) است - اورا بین درودیوار گذاشته‌اند، سینه‌اش را سوراخ کرده‌اند. میخ، مسمار به سینه‌اش خورده. نمی‌فهمیدم؛ یعنی چی؟ می‌گفتند مسلمان‌ها یک رهبری داشتند به نام علی (ع) دستش را بستند و در سه دوره ۲۵ ساله، حکومتش را غصب کردند. نمی‌فهمیدم؛ یعنی چی؟ گفتند، در ۲۵ سالی که حکومتش غصب شده بود، شغلش این بود، آخر شب نان و خرما می‌گذاشت روی کولش می‌رفت خانه یتیم‌هایش، این را هم نمی‌فهمیدم؛ ولی امروز فهمیدم که علی (ع) کیست.

امروز با ورود شما به منزل‌مان، با این همه گرفتاری‌ای که دارید، وقت گذاشتید و به خانه من غیر دین خودتان تشریف آوردید. اُسُقُف ما، کشیش محله ما به خانه ما نیامده است، شما رهبر مسلمین هستید، من فهمیدم علی (ع) که خانه یتیم‌هایش می‌رفت چه قدر بزرگ است» (قرارگاه فرهنگی ولی امر، ۱۳۹۰ش: ۷۰).

۷. آزادی حقوقی و ارزش‌های الهی

این آزادی، مورد بحث حقوق‌دانان و قانون‌شناسان است که مواد قانونی باید طوری تدوین شود که اجرای آن مستلزم برخورد حقوقی نباشد؛ یعنی یک انسان در کیفیت بهره‌برداری از

مواهب طبیعی تا حدی آزاد است که آزادی او مزاحم حقوق و بهره وری دیگران نباشد و اصل «لاضرر ولا ضرار فی الاسلام» در همین محدوده قابل اجرا است. این آزادی حقوقی و قانونی است (آملی، ۱۳۸۴: ش، ۲۸۱).

« زمانی که ضریح مطهر حضرت امام رضا (ع) در حال تعویض بود، در خدمت مقام معظم رهبری به پابوسی امام هشتم (ع) مشرف شدیم. مقام معظم رهبری برای زیارت در کنار مرقد آن امام (ع)، مشغول راز و نیاز بودند،
؛ چون ضریح را برداشته بودند حضور در کنار قبر رنگ و بوی دیگری داشت.

بعد از پایان راز و نیاز حضرت آیت الله خامنه ای، آقای واعظ طبسی به ایشان عرض کردند، آقا زاده هم بیایند نزدیک تر تا از نزدیک امام (ع) را زیارت کنند. معظم له فرمودند: پس بقیه چی؟ این دقت را همواره حضرت آقا دارند. ایشان امتیاز ویژه و خاصی را برای فرزندان شان قائل نیستند. در آن روز هم فرمودند: اگر بقیه افراد می توانند از نزدیک قبر امام هشتم (ع) را زیارت کنند، فرزندان هم بیایند. پس از بیان آقا همه توفیق حضور یافتند» (قرارگاه فرهنگی ولی امر، ۱۳۹۰ ش: ۸۳).

پیام ها: ۱-۷. در اینجا معظم له، آزادی حقوقی را مشحون از ارزش های الهی برای همه در نظر گرفته است که همه حق دارد، تا از زیارت این بارگاه ملک پاسبان به صورت آزادانه و عادلانه باید برخوردار باشد؛ لذا همه زیارت کردن تا فرزندان آقا هم زیارت نمودن.

۲-۷. آزادی در صورتی آزادی واقعی است که به حقوق دیگران آسیب نرسد؛ لذا حضرت آقا فرموده است: دیگران زیارت کرده یا نه اگر دیگران زیارت کرده فرزندان حضرت آقا هم می تواند زیارت نماید.

۸. آزادی سیاسی و ارزش های الهی

در جامعه دینی، آزادی سیاسی باید به صورتی باشد، که انسان های صالح و شایسته برای پست های مهم و کلیدی توانای معرفی خویش و تصدی مسئولیت های مهم و سنگین را داشته

باشد، مردم بدون جوسازی و تبلیغات مسموم با معیار های صحیح از انتخاب مدیران متخصص و متعهد بر خور دار باشد.

« تمام وابستگی های سیاسی را از بین می بریم و مردم را بر سرنوشتشان حاکم می گردانیم و مردم را که بیش از پنجاه سال است از همه گونه حقی در ایران محروم بوده اند، آزاد می گردانیم تا با کمال آزادی به خواسته ای مشروع خود برسند» (خمینی ، ۱۳۸۵ ش: ۲۲، ۱۶۸).

پیام ها:

۸-۱. در منظومه فکری امام خمینی (ره) آزادی حق همه مردم است در امور سیاسی و غیر سیاسی حدود مرز آن آزادی حدود الهی و ارزش های الهی است، حدود الهی و ارزش های الهی باید مراعات شود مثل آزادی لجام گسیخته غربی نباشد.

۸-۲. آزادی این است افراد شایسته بدون نظر داشت ملیت و ارتباطات طبق لیاقت و قانون الهی در یک مقام گزینش شود، مثل اسامه بن زید در جنگ موته سردار جنگ شد باینکه غلام آزاد شده پیامبر بود و سلمان فارسی استاندار مداین شد باینکه از ملیت عرب نبود.

۸-۳. مراعات حدود الهی و ارزش های الهی در آزادی هم موجب بقاء و استمرار آزادی می شود، که به حسب حفظ قوانین الهی از انسان های جاه طلب خود محور، در مقام های اداری و اجتماعی دوری می شود.

۹. آزادی اقتصادی و ارزش های الهی

« ما خواستار یک اقتصاد سالم و غیر وابسته هستیم. شاه اقتصاد ایران را فلج کرده است و همه مخازن ما را در اختیار شرق و غرب بخصوص آمریکا قرار داده است، ما با این مبارزه کرده و هرگز اجازه نمی دهیم، تا هستی ما را غارت کنند. ما در تمام زمینه های اقتصادی یک انقلاب واقعی خواهیم کرد. امر کشاورزی در حکومت ما از اولویت خاصی برخوردار است، برای اینکه شاه با اصلاحات ارضی آمریکایی خود کشاورزی ما را نابود کرد. در زمینه صنعت با ایجاد صنایع مادر از صنایع مونتاژ جلوگیری به عمل می آوریم».(خمینی، ۱۳۸۵ ش: ۲۲، ۱۶۸).

پیام‌ها:

- ۹-۱. در منظومه فکری امام خمینی (ره) برای اقتصاد کشور امر کشاورزی مهم است، باید کشور با استفاده از این سرمایه مهم الهی به خودکفایی برسد.
- ۹-۲. در صنعت باید صنایع مادر ایجاد شود، از صنعت مونتاژ که محتاج بیگانگان را در پی دارد، باید کشور رهایی پیدا کند تا آزادی اقتصادی داشته باشد.
- ۹-۳. یکی از مشخصات اقتصاد اسلامی، اعطای آزادی محدود در چارچوب ارزش‌های معنوی و اخلاقی است، که اسلام بدان معتقد است. در این اصل نیز مانند بعضی از اصول دیگر، اختلاف بارزی میان اقتصاد اسلامی و دو اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیستی وجود دارد. در زمانی که افراد آزادی‌های نامحدودی را در زیر سایه اقتصاد سرمایه‌داری برخوردارند و در حالی که اقتصاد سوسیالیستی، آزادی را از همه سلب می‌کند، (صدر، ۱۳۴۸: ۱، ۳۵۸).

۱۰. آزادی قلم و ارزش های الهی

«وَالْقَلَمَ وَ مَا يَسْطُرُونَ» (قلم: ۱) نون سوگند به قلم و آنچه می نویسند «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ» (۰) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۰) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۳، ۴، ۵).

بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود. و به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد.

« بعضی مطبوعات می خواهند این‌ها را از شان سلب آزادی بکنند، به اسم آزادی قلم برخلاف مسیر ملت عمل بکنند. دست اشخاصی که می خواهند اختناق در ملت ایجاد بکنند، می خواهند چپاولگری کنند، بعضی مطبوعات دست آن‌ها را دارند باز می کنند و این معنی آزادی نیست این معنی خیانت است. اینکه داده می شود به ملت آزادی است، نه خیانت، آزادی قلم است، نه خیانت قلم» (خمینی، ۱۳۸۵ش: ۶، ۱۶۸).

نکته‌ها:

- ۱۰-۱. قلم آن قدر مهم است که به عنوان اولین سوره به پیامبر گرامی اسلام نازل شده و به عظمت آن خداوند منان قسم خورده است.

۲-۱۰. در آیه شریفه بعد از اهل قلم شدن انسان خطاب شده است، وقت انسان با آزادی قلم به علم آگاهی رسید به مقام انسانیت و شرافت انسانی رسیده است.

۳-۱۰. با آزادی قلم است که معارف و تمدن‌ها به صورت صحیح و درست در تاریخ ثبت می‌شود، به قول امام خمینی (ره) قلم از خیانت مبراء باشد تا تاریخ صحیح ماندگار بماند.

۴-۱۰. بسیار از مشکلات جامعه است که با سال‌ها جنگ حل نمی‌شود، ولی با تدوین یک قلم آزاداندیش و تدوین یک قانون جامع و معتدل مشکلات سال‌ها جنگ و خونریزی حل می‌شود.

۵-۱۰. با آزادی قلم است که جامعه به رشد علمی، سیاسی، نظامی و اقتصادی می‌رسد.

۶-۱۰. امروز هر تمدن، دانش و کشف انکشافات نصیب بشر شده از نوک قلم است، و به راستی «مداد علماء» بر «دماء شهداء» سبقت گرفته، به جهت این است که خون شهدا برای آزادی و سرفرازی ملت ریخته شده است، ولی همین قلم است که این آزادی و سرفرازی را در دل تاریخ ماندگار می‌سازد.

۷-۱۰. نظام زندگی بدو قسمت تقسیم می‌شود، نظام قبل از تاریخ و بعد از تاریخ که تمام تاریخ تمدن‌های اسلامی و غیر اسلام از نوک قلم در عرصه‌های که قلم به دست نویسندگان آزادی داشته تراوش کرده، تاریخ بشریت را ساخته است.

۸-۱۰. آثار آزادی قلم آن قدر خیروبرکت وسعت دارد، که از این جهانی خاکی عبور می‌کند برای صاحب قلم در دنیای آخرت خیر برکت، ارزش‌های الهی و آزادگی را برای صاحب قلم به ارمغان می‌آورد.

۱۱. آزادی بیان و ارزش‌های الهی

۱-۱۱. «وَ ذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (الذاریات: ۵۵)؛ و یادآوری نمودن، نفع می‌رساند مؤمنان را؛ یعنی به جهت عناد کافران و انکار اهل طغیان، ترك تذکر و موعظه اهل ایمان مکن و دست از ایشان مدار؛ زیرا موعظه و نصیحت موجب زیادت‌ی بصیرت ایشان می‌شود و سبب اکتساب اطاعات و اجتناب از محرمات می‌گردد. (حسینی ۱۴۰۴: ۱۲، ۲۸۴).

۱۱-۲. «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸)؛

کسانی که استماع کلام نماید و احسن آن را اختیار کنند، آیه شریفه آزادی را در محدوده کار خوب و ارزش های الهی برای انسانیت بیان نموده است.

۱۱-۳. عن علی (ع) : « الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَالْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ، وَالرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ » امام (ع) فرمود: پیروزی درگرو تدبیر است، حزم و دوراندیشی درگرو به کار گرفتن فکر، و تفکر صحیح درگرو نگهداری اسرار است. (مکارم، ۱۳۸۶ ش: ۱۲، ۳۱۳).

۱۱-۴. عن علی (ع) : « إِضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بَبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ » (الفتاوی، ۱۴۳۵ق: ۱، ۶۴۵)؛ راینی کنید تا اندیشه درست متولد شود.

۱۱-۵. عن علی (ع) : « إِمْحَضُوا الرَّأْيَ مَحْضَ السَّقَاءِ يُنْتَجِ سَدِيدَ الْأَرَاءِ » (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱، ۱۲)؛ اندیشه را؛ چون مشک برهم زنید، تا رأی درست حاصل آید.

۱۱-۶. مقام معظم رهبری «مدظله عالی» فرموده است: «من دوسه سال پیش، به مناسبتی خدمت حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) رسیدم تا پیشنهادی را در میان بگذارم. به ایشان عرض کردم، که به اعتقاد من، پیروزی این نظام، فقط به آبروی روحانیت زمان ما انجام نگرفت؛ بلکه آن سرمایه ای که ما خرج کردیم تا این انقلاب - که واقعاً معجزه بود - به پیروزی برسد، عبارت از آبروی ذخیره و نقد روحانیت شیعه، از زمان شیخ کلینی و شیخ طوسی تا زمان ما بود. امام هم در آن روزی که این مطلب را عرض کردم، مطلب را تلقی به قبول کردند، معلوم بود که نظر شریف خود ایشان هم همین می باشد و این واقعیتی است» (میرزایی، ۱۳۹۰، ش: ۴۵۸).

پیام ها:

۱۱-۲-۱. از این آیات و روایات به دست می آید هر انسان در بیان حق آزاد است، تا جای که مخالف قانون الهی و ارزش های اسلامی نباشد.

۱۱-۲-۲. آزادی بیان حق همه است که حق همه مراعات شود معظم له می فرماید: این انقلاب که به پیروزی رسیده، مرهون خدمات علماء عظام از کلینی تا زمان ما بوده.

۳-۲-۱۱. آزادی بیان موجب رشد جامعه اسلامی است؛ چون که از تضارب نظرها در نتیجه به نظر درست و محکم می‌رسیم.

۴-۲-۱۱. آزادی بیان تا جای صحیح است، که موجب ضرر به شخص دیگر یا به ضرر جامعه اسلامی نباشد.

۵-۲-۱۱. آزادی بیان تا وقت صحیح است حدود ارزش‌های الهی حفظ شود، موجب انحراف عقیده، اخلاق و سجایای اخلاقی و هم چنین موجب استهزا، افترا و کذب در جامعه نشود.

۱۲. دیدگاه فرقه‌های اسلامی در قبال آزادی:

۱-۱۲. اشاعره: معتقدند انسان دارای قدرت، اختیار و اراده‌ای نیست که بتوان افعالی را که انجام می‌دهد به او نسبت داد، بلکه همه قدرت‌ها و خلقت‌ها از ناحیه خداوند است.

« فقد فسّرتَه الأشاعرة بإنكار وجود أيّ تأثير أصيل أو تبعيٍّ لغيره سبحانه، وقالوا بوجود علة تامّة قائمة مكان جميع العلل والأسباب، فلا تأثير لآيٍّ موجود سوى الله، فهو الخالق الموجد لكل شيء حتى فعل الإنسان » (السبحاني، بی تا: ۱، ۱۳۷).

اشاعره وجود هر اثر مستقل یا تبعی را برای غیر خدای سبحان انکار می‌کنند و به وجود علت تامه ای که قائم است مکان همه علل و اسباب قائل شده‌اند؛ پس اثری برای هیچ موجودی غیر از خدا نیست پس اوست خالق ایجادکننده هر چیزی حتی کاری که انسان انجام می‌دهد.

« هیچ فاعلی غیر از خدا به هیچ نحو، نه بالاستقلال و نه به غیر استقلال، وجود ندارد ».

(مطهری، ۱۳۸۴ ش: ۷۴)

۲-۱۲. معتزله: معتقدند انسان خالق اعمال خودش است و خالق را چنین معنا می‌کنند که چیزی را از عدم به وجود بیاورد. خداوند نیز در اعمال انسان نقشی ندارد. به عبارت دیگر معتزله، برخلاف اشاعره، به اصل تأثیر و تأثر قائل شده و گفته اند موجودات «استقلال» در تأثیر دارند.

قاضی عبدالجبار، از علمای بزرگ معتزله در قرن پنجم، در اصول الخمسه می نویسد: « فَإِنَّ أفعالَهُمْ حَدَّثَتْ مِنْ جَهَّتِهِمْ وَ حَصَلَتْ بِدَواعِيهِمْ وَ قُصُودِهِمْ، وَاسْتَحَقُّوا عَلَيْهَا الْمَدْحَ وَالذَّمَّ وَالثَّوَابَ وَالعِقَابَ فَلَوْ كَانَتْ مِنْ جَهَّتِهِ تَعَالَى أَوْ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ قِبَلِهِ لَمَا جاز ذَلِكُ » (عبدالجبار، ۱۴۱۶ ق: ۷۷۸)؛ پس همانا افعال عباد از جهت خودشان ایجاد شده و به سبب خواسته خودشان و قصدشان حاصل شده و مستحق ستایش، مذمت، ثواب و عقاب هستند؛ پس اگر این افعالشان از جانب خدا یا از نزد خودش و یا از طرف او بود این عکس العمل ها جایز نبود.

«... وَلُبُّ مَذْهَبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْجَدَ الْعِبَادَ وَ أَقْدَرَهُمْ عَلَى أفعالِهِمْ وَ فَوَّزَ إِلَيْهِمُ الْاِخْتِيَارَ فَهُمْ مُسْتَقِلُّونَ فِي اِيجَادِ أفعالِهِمْ عَلَى وَفْقِ مَشِيَّتِهِمْ وَ طَبَقِ قُدْرَتِهِمْ » (السبحاني، بی تا : ۱، ۲۱۳)؛ خلاصه مذهب ایشان این است که خدای بندگان را ایجاد کرده و به آنان برای انجام کارها قدرت داده و اختیار را به ایشان واگذار کرده است، پس ایشان در ایجاد کارهایشان بر وفق خواسته ها و بر اساس قدرتشان مستقل اند.

۳-۱۲. دیدگاه شیعه: «امر بین الامرین» است، نخست ائمه اهل البیت (ع) مطرح کردند و مورد قبول متکلمان امامیه و حکمای اسلامی قرار گرفت.

از مطالعه روایات به دست می آید که این نظریه را نخست امام علی (ع) مطرح کردند، روایت شده است که علی (ع) درباره شگفتی های روح و قلب انسان سخن می گفت: در این هنگام فردی از امام خواست تا درباره «قدر» سخن بگوید: امام (ع) به دلیل غموض و دشواری این بحث، طرح آن را در آن شرایط به مصلحت ندانستند. آن مرد بار دیگر سؤال خود را مطرح کرد و امام نیز مجدداً از بحث درباره «قدر» امتناع و گفت: خانه تاریک است؛ اما آن مرد اصرار کرد حضرت امیر (ع) گفت فقال: «سر الله فلا تبحت عنه» و سرانجام بعد از اصرار که امیر المؤمنین از قدر ما را خبر بده، امام (ع) فرمود: «لَمَّا آيَتْ فَإِنَّهُ أَمْرٌ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ، لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِيزَ». (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵، ۵۷).

تفسیر دیگر درباره «امر بین الامرین» را ملاصدرا ارائه کرده، آیت الله سبحانی، امام خمینی قدس سره نیز آن را پذیرفته است. (السبحانی، بی تا : ۱، ۲۱۳).

ملاصدرا در این خصوص سه مقدمه بیان کرده است: مقدمه اول، وجود اصالت دارد و ماهیت اعتباری است؛ مقدمه دوم، وجود مشکک است؛ چون دارای مراتب ضعیف تا قوی است، مقدمه سوم، تمام موجودات نسبت به خدای متعال امکان فقری دارند. ملاصدرا از این مقدمات نتیجه می‌گیرد که تنها يك موجود مستقل هست و آن خداست و موجودات دیگر بین فقر و وابستگی به خدا هستند. معنای «امْرِ بَيْنَ الْاَمْرَيْنِ» نیز این است که انسان در هر امری نه مستقلاً واجد انجام آن است، و نه وابسته به خداست؛ برای مثال شخصی آینه‌ای را جلوی خورشید می‌گیرد و نور خورشید روی دیوار منعکس می‌شود، حال اگر کسی از روشنایی روی دیوار بپرسد، هم می‌توان گفت: خورشید روشن کرده و هم می‌توان گفت: آینه، درحقیقت، نه آینه و نه خورشید به تنهایی دیوار را روشن کرده است، و این آینه با این خورشید رابطه «امْرِ بَيْنَ الْاَمْرَيْنِ» دارند. (فہیم نیا، ۱۳۸۷ش: ۷۵).

۱۳. آزادی اندیشه در انقلاب امام حسین(ع)

وصیت امام حسین (ع) جهت پیشگیری از ظلم اجتماعی، هدفش را روشن می‌سازد، امام حسین (ع) دوات و کاغذ خواست و این وصیت را برای محمد حنفیه در وقت خروج از مکه نوشت: «وَأَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَأَنَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِسْلَامِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ» (مجلسی ۱۴۰۴ق: ۴۴، ۳۲۹). نکته‌ها:

۱-۱۳. طبق این عامل امام حسین(ع) یک مرد انقلابی متعرض حکومت ظالمانه یزید، که مردم را به امر به معروف و نهی از منکر و قیام عدالت خواهانه دعوت می‌کند، از حکومت ظالم پیشگیری می‌کند.

۲-۱۳. بر اساس امر به معروف اما حسین(ع) حکومت ظلم و ستم و روش که در حکومت ظلم و ستم بکار برده شده رد می‌کند؛ چون که این حکومت خودش اهل ظلم و ستم است، روش این حکومت بر اساس ظلم و ستم پایه‌گذاری شده است، که نه شیعه این روش را قبول دارد، نه اهل سنت؛ چون که شیعه حکومت را مال کسی می‌داند که نص از جانب

پیامبر گرامی اسلام برای امامت و حکومتش تعیین شده است، اهل سنت هم این روش را قبول ندارد؛ چون که اهل سنت حکومت را بر اساس انتخاب شورای اهل حل و عقد صحیح می‌داند.

۳-۱۳. طبق امر به معروف امام حسین (ع) بزرگ‌ترین منکر را که حکومت ظالمان یزید است، پیشگیری می‌کند و بزرگ‌ترین معروف را حکومت عادلانه امام حسین (ع) است، در جامعه اسلامی برقرار می‌نماید.

۴-۱۳. امام حسین (ع) جهت پیشگیری از حکومت ظلم و استبداد، و آزادی خواهی در یکی از سخنرانی‌های خود در روز عاشورا اعلام کردند: «إِنَّ الدَّعِيَّ بْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَنِي بَيْنَ اثْنَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَّةِ، هِيَهَاتَ مَنَا الذَّلَّةُ...» (قمی، ۱۳۸۷ ش: ۱۲۶).

۵-۱۳. آزادی واقعی در کلام امام حسین (ع) آزادی از هر گونه تعلق‌ها، هماهنگی با ارزش های الهی تبیین شده است. «لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيهِمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ وَلَا أَفْرَّ فِرَارِ الْعَبِيدِ...» (مقرم، ۱۳۹۵ ش: ۲۲۹).

۶-۱۳. بزرگ پرچمدار عاشورا در حساس‌ترین لحظات از دشمن تجاوزکار می‌خواست که اگر به دین و آیین و قانون و مقرراتی پایبند نیستید، آزادمنش باشد. «يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ! إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ، وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا أَحْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ هَذِهِ وَارْجِعُوا إِلَيَّ أَحْسَابِكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ عَرَبًا كَمَا تَزْعُمُونَ» (اخطب خوارزم، ۱۴۲۳ ق: ۲، ۳۳۹).

۷-۱۳. زهیر، این مرد آزاد اندیش، عاری از تمام تعلقات، با این جملات زیبا و شگفت انگیز، نسبت به آن رهبر آزادگان چنین اظهار ارادت و وفاداری کرد: «وَاللَّهِ، لَوَدِدْتُ أَنِّي قُتِلْتُ، ثُمَّ نُشِرْتُ، ثُمَّ قُتِلْتُ حَتَّى أَقْتَلَ كَذَا أَلْفَ قَتْلَةٍ، وَأَنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِذَلِكَ الْقَتْلَ عَن نَفْسِكَ وَعَن أَنْفُسِ هَؤُلَاءِ الْفِتْيَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ». (أبو الحسن، ۱۴۱۷ ق: ۲، ۵۴۸).

به خدا سوگند، دوست دارم که کشته شوم، آن گاه، دوباره زنده گردم و باز، کشته شوم و تا هزار بار، کشته شدنم تکرار شود؛ و خداوند، با این کشته شدنم، از تو و از این جوانان خاندانت، کشته شدن را برطرف کند.

۸-۱۳. حنفی، جلوی حسین (ع) آمد و خود را هدف تیرهای آنان کرد «فَاسْتَقْدَمَ الْحَنْفِيُّ أَمَامَهُ، فَاسْتَهْدَفَ لَهُمُ يَرْمُونَهُ بِالنَّبْلِ يَمِينًا وَشِمَالًا قَائِمًا بَيْنَ يَدَيْهِ، فَمَا زَالَ يُرْمَى حَتَّى سَقَطَ». (أبو الحسن علي، ۱۴۱۷ق ۲، ۵۴۸).

سپس رو به امام حسین علیه السلام کرد و گفت: «اوفیت یابن رسول الله؟» ای فرزند رسول خدا! آیا من به عهد خود وفا کرده‌ام؟» امام فرمود: «نعم، انت امامی فی الجنة؛ آری، تو در بهشت پیش منی سپس به شهادت رسید.

۹-۱۳. معمار انقلاب امام خمینی (ره) باتأسی از انقلاب امام حسین (ع) جهت آزادی ملت ایران و جهان اسلام در وقتی قیام کرد، که ایران درچنگ دندان غول خون خوار امریکاه جنایت کار بود، در سخت ترین فشار که امریکاه شصت هزار مستشار نظامی در ایران داشت، با این انقلاب سعادت آفرین چنان وضعیت را منقلب کرد، که ایران عین الاسد پایگاه مهم نظامی امریکاه را در یک عملیات نظامی در ۱۸ دی ۱۳۹۸ موشک باران کرد، آزادانه از حق خود دفاع کرد، این دفاع ازحق و آزادی، در مقابل قدرت استکبار جهانی امریکاه غدار، ارزش مهم آزادی، عدالت خواهی را برای آزاد خواهان جهان به ارمغان آورد.

۱۰-۱۳. به جهت ارزش آزادی است که مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) مقابل ظالمان ستم گر اخضا استکباری جهانی امریکاه جنایت کار ایستاده شد، با تأسی از امام حسین (ع) با ندای «هیهات منّا الذلّة...» فریاد کشید، تاآزادی وارزش های الهی ملت اسلام محفوظ بماند. که همان آزادی ارزشمند الهی انسانیت رهاشده است همان آزادی «امرّ بین الامرین» است، که مخالف آزادی لجام گسیخته غربی است که حیوانیت رهاشده است.

۱۴. تبیین محدوده آزادی

آزادی در دین مبین اسلام به مناسبت های مختلف به ارزش های الهی با قوانین شریعت آیات و روایات الزام آور، قواعد فقهی، حقوقی، فطرت وجدان سلیم تبیین و محدود شده است، تا تعالی روحی و تحقق مدینه فاضله و یک آزادی سعادت آفرین باارزش های الهی برای جامعه به ارمغان بیاورد.

۱-۱۴. آزادی به آیات و روایات الزام آور محدود شده مثل آیات و روایات که بیانگر واجبات و محرمات الهی است، از باب مثال چند آیه ای محدودکننده آزادی را خدمت شما ذکر می نمایم:

« الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ». (اعراف: ۱۵۷).

و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود (از دوش و گردنشان) برمی دارد، آنها که به او ایمان آوردند و حمایتش کردند و یاریش نمودند، و از نوری که با او نازل شده پیروی کردند آنان رستگارانید. (مکارم، ۱۳۸۷ش: ۶، ۳۹۵).

نکته :

۱-۲-۱۴. امر به معروف و نهی از منکر، پیشگیری از آزادی لجام گسیخته توسط برنامه های سعادت آفرین امر به معروف و نهی از منکر. «يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ...»

۲-۲-۱۴. برای اصلاح جامعه، ابتدا باید امکانات حلال را فراهم کرد، سپس برای پیشگیری از حرام، محدودیت ایجاد نمود. «يُحِلُّ»، قبل از «يُحَرِّمُ» است.

۳-۲-۱۴. حلال ها و حرام های الهی، بر اساس فطرت پیشگیری شده است خداوند منان جهت پاکی فطرت پیشگیری کرده است طیبات را حلال کرده است محرمات را حرام کرده است «يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ» «طیب»، به چیزی گفته می شود که مطابق طبع انسان باشد.

۴-۲-۱۴. این شریعت به چیزی امر نمی کند، که عقلا آن را ناپسند یا هیچ مصلحتی در آن نبینند. این شریعت چیزی را حلال نمی کند، که طبع همه از آن متنفر است، یا چیزی را حرام نمی کند، که درکام همگان گوارا و لذیذ است.

۲-۱۴. «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر: ۷).

این بیان قرآن شریف رفتار انسان را محدود می‌کند، که انسان باید متابعت شرع نماید، از هرگونه آزادی لجام‌گسیخته به خواسته‌های نفسانی خود پیروی نکند.

اسلام یک امت وسط است، که از آزادی در چهارچوب قانون هدایت شده برخوردار است آیه «وَجَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره: ۱۴۳).

۳-۱۴. تقید آزادی به قواعد کنترل‌کننده، مثل قاعده لا ضرر، قاعده اتلاف، قاعده احترام، و آیات و روایات که حد و حدود ارزش‌های الهی را بیان می‌کند، این‌ها همه مقید آزادی لجام‌گسیخته غربی است و آزادی را در چهارچوب قانون شرع مقدس اجازه می‌دهد.

۴-۱۴. تقید آزادی به فطرت « فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ » (انعام: ۷۹).

آنچه در فطرت بشر نهاده شده همان فطرت توحیدی خیرخواهی و پاکی نهاده شده است که انسان به تکامل و تمدن بشری نائل شود، این‌ها همه مقید آزادی لجام‌گسیخته غربی است و آزادی را در چهارچوب قانون شرع مقدس اجازه می‌دهد.

۵-۱۴. تقید آزادی به حکم عقل محقق است، طبق عقل انسان در انتخاب هر دین و عقیده آزاد است، وقت یک عقیده را انتخاب کرد، مثل دین اسلام، آن وقت طبق دستورات دین اسلام باید عمل کند.

« قُلْتُ لَهُ مَا الْعَقْلُ قَالَ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَانُ قَالَ قُلْتُ فَالَّذِي كَانَ فِي مُعَاوِيَةَ فَقَالَ تِلْكَ التَّكْرَاءُ تِلْكَ الشَّيْطَنَةُ وَ هِيَ شَبِيهَةٌ بِالْعَقْلِ وَ لَيْسَتْ بِالْعَقْلِ » (کلینی، ۱۳۶۳ش: ۱، ۱۱) از حضرت صادق (ع) سؤال شد، «عقل چیست؟» فرمود: عقل آن است که به وسیله آن خدای رحمان پرستش شود و بهشت به دست آید. راوی گوید: عرض کردم: «پس آنچه معاویه داشت چه بود؟» حضرت فرمود: آن نیرنگ است، آن شیطنت است! آن نمایش عقل را دارد ولی عقل نیست. «الْعَقْلُ يَهْدِي وَ يُنْجِي وَ الْجَهْلُ يُغْوِي وَ يُرْدِي» (آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۱، ۱۲۴).

امام (ع) فرمودند: خرد، هدایت می‌کند و نجات می‌بخشد، و نادانی، گمراه می‌سازد و پست می‌گرداند.

و. تقید آزادی به قانون، در تمام قوانین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، آزادی بشر به صورت مطلق، به قانون قید خورده است، از جمله در آزادی مطلق، بسیاری از خواسته های بشری، به اساس خواسته های نفسانی و شهوانی است، در این کتاب های قانون منع شده است.

« آزادی معنایش این نیست که بنشینید برخلاف اسلام صحبت کنید، آزادی در حدود قانون است، دین کشور ما اسلام است، آزادی در حدود این است که به اسلام ضرر نخورد، قانون اساسی ما دین را اسلام می داند». (خمینی، ۱۳۸۵ ش: ۶، ۱۷۱).

۶-۱۴. تقید آزادی به کلام امام خمینی (ره) « آزادی به شکل غربی آن، که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است » (خمینی، ۱۳۸۵ ش: ۲۱، ۴۳۵).

۱۵. مختار

نظر مختار همان امر بین الامرین است، در تفسیر آزادی به این نتیجه رسیدیم که انسان نه مجبور است، تا اسناد و نسبت کارهایش به او مجازی باشد و نه مفوض است، تا اسناد کار به او به نحو استقلال باشد، هم جبر باطل است و هم تفویض و آنچه حق است، امر بین الامرین است، که همان آزادی نسبی است.

آزادی مطلق در هیچ جای دنیا وجود ندارد، حتی همان کشور های که دین هم ندارد، آزادی به حکم عقل، فطرت و قانون قید خورده است.

نتیجه گیری

در نتیجه در اسلام جایی و مجالی برای حریت به معنای غربی نیست، وقتی انسان آزاد به دنیا می‌آید، از دیدگاه اسلام، آزادی و دموکراسی بر اساس آن چیزی است که تکامل انسانی را ایجاب می‌کند، آزادی در اسلام؛ یعنی انسانیت رها شده، که تعالی روحی و تمدن بشری را به ارمغان می‌آورد، و حال آنکه این واژه در قاموس غرب به معنای حیوانیت رها شده است، که انسان و جامعه را به لجام گسیختگی و بی بند باری سوق می‌دهد.

انسان طبیعتاً موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی بدون وجود قانون امکان‌پذیر نیست، بنابراین آزادی همواره محدود به قانون است آزادی مطلق به هیچ دین و مسلکی وجود ندارد، انواع آزادی که بیان شده جهت رشد، ارزش‌های الهی در عرصه آزادی تبیین شده است، تمام انواع آزادی، حدی اقل به وجدان و عدم قدرت ذاتی، قید خورده است.

فقط خداوند علیم و حکیم است که به همه‌ی مصالح انسان‌ها، آگاه است و نیز توانایی را دارد، که آزادی انسان را با قوانین شریعت، آیات، روایات الزام‌آور، قواعد فقهی، حقوقی، فطرت وجدان سلیم محدود نماید. تا تعالی روحی و تحقق مدینه فاضله و یک آزادی سعادت‌آفرین، با ارزش‌های الهی برای جامعه به ارمغان بیاورد.

این قواعد احکام فقهی و حقوقی اگرچه در ظاهر تقید است، از بعض خواسته‌های نفسانی منع می‌کند، ولی در واقع موجب تکامل، بنیان‌گذاری ارزش‌های الهی، روحی و تمدن بشری در جامعه اسلامی است.

در نهایت در تفسیر آزادی به این نتیجه می‌رسیم که انسان نه مجبور است، تا اسناد و نسبت کارهایش به او مجازی باشد و نه مفوض است تا اسناد کار به او به نحو استقلال باشد، هم جبر باطل است و هم تفویض و آنچه حق است، امر بین الامرین است، که همان آزادی نسبی است.

کتابنامه

-
- ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، علامه ناشر: علامه، قم: چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
- أبو الحسن علي، بن أبي الكرم، محمد بن محمد، ابن الأثير، الكامل في التاريخ، الناشر: دار الكتاب العربي، بيروت - لبنان: الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ ق.
- اخطب خوارزم، موفق بن احمد، سماوی، محمد، مقتل الحسين (ع) قم: ناشر انوار الهدی، چاپ دوم، ۱۴۲۳ ق.
- اخلاق فرماندهی و مدیریت، نشر: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، مرکز تحقیقات اسلامی، محل نشر تهران، بی تا.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة، تهران: انتشارات اسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۸۲ ش.
- الاصفهانى، حسین بن محمد، مفردات را غیب، ترجمه حسین خداپرست، قم: نشر نوید، ۱۳۸۷ ش.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، تممى، غررالحکم و درر الکلم، قم: ناشر: دار الكتاب الإسلامی چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- آملی، جوادی، عبدالله، آزادی اجتماعی از منظر قرآن، مجله پاسدار اسلام، اردبشت، ۱۳۸۴ ش: ۲۸۱.
- بیانات مقام معظم رهبری، در دیدار طلاب غیر ایرانی قم ۱۷ ذی القعدة ۱۴۳۱.
- حسینی، همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران: کتاب فروشی لطفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- خمینی، روح الله، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ناشر: روزنه، تهران: ۱۳۷۳ ش.
- رای شهر، محمدی محمد، دانشنامه امام حسین (ع) قم: نشر دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- ری شهری، محمدی محمد، میزان الحکمه، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.

سبحانی تبریزی، جعفر، آزادی و دین سالاری، ناشر: موسسه امام صادق (ع) قم: چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

سبحانی، الشیخ جعفر، لبُّ الأثر فی الجبر و القدر، قم: الناشر: مؤسسة الإمام الصادق (ع) بی تا.

شیخ علی الفتلاوی، قواعد حیاتیة علی ضوء روایات أهل البيت، (ع) کربلاء: العتبة الحسینیة المقدسة، قسم الشؤون الفکریة والثقافیة الطبعة الأولى، ۱۴۳۵ق. شیرازی مکارم، ناصر وهم کاران، تفسیر نمونه، تهران: دار کتب اسلامیة، چاپ سی سوم، ۱۳۸۷ش.

شیرازی ناصر، پیام امام امیر المومنین (ع)، تهران: ناشر: دار الکتب الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.

صدر، سید محمدباقر، اقتصاد ما، ترجمه محمد کاظم موسوی ۱۳۴۸ش. عاملی، شیخ حر، وسایل الشیعة، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۴ق. عبد الجبار، بن احمد قاهره، شرح اصول الخمسة، مکتب رهبة: چاپ سوم، ۱۴۱۶ق. فهیم نیا، محمد حسین، دین و آزادی، نشر قم: مسجد جمکران ۱۳۸۷ش. قرارگاه فرهنگی ولی امر، کتابی ولی امر، چاپ حس بر تر چاپ اول، ۱۳۹۰ش. قرائتی محسن، تفسیر نور، تهران: ناشر: مرکز فرهنگی، درس های از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.

قمی، عباس، ترجمه نفس المهموم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، بن اسحاق، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ش.

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، لبنان، مؤسسه الوفا، چاپ اول، ۱۴۰۴ق. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: چاپ هفتم، ۱۳۸۴ه. ش. مقرر، علامه، سید عبدالرزاق، مقتل الحسین (ع)، بیروت- لبنان، مؤسسه الخرسان للطبوعات، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.

موسوی، همدانی، سید محمدباقر، ترجمه المیزان، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه ۱۳۷۴ ش.

میزایی، سعید صلح، حوزه و روحانیت، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
یعقوبی احمد، بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، مؤسسه الا علمی، بیروت-لبنان، ۱۴۱۳ ق.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10432>